



نام کتاب: شرح لمعه، از الفصل الخامس فی السرقة تا پایان کتاب الدیات

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. کدام گزینه صحیح است؟ د ۳۶۶ و ۴/۳۵۷
 - ا. لا تثبت السرقة والمحاربة إلاّ بالاقرار مرتین ☐
 - ب. تثبت السرقة بالاقرار مرة والمحاربة بالاقرار مرتین ☐
 - ج. تثبت السرقة والمحاربة بالاقرار مرة ☐
 - د. تثبت السرقة بالاقرار مرتین والمحاربة بالاقرار مرة ☒
۲. عند الشهيد الأول، دية الشفة السفلى ب ۴/۵۰۱
 - ا. الثلثان ☐
 - ب. نصف الدية ☒
 - ج. ستّ مائة دينار ☐
 - د. ثلث الدية ☐
۳. کدام گزینه صحیح است؟ ج ۴/۳۶۳ (ع: ۲: ۳)
 - ا. لو تكررت السرقة فالقطع متعدّد وإن لم يرافع بينهما ☐
 - ب. يستحبّ بعد قطعه حسمه بالزيت المغلى ومؤنته من بيت المال فقط ☐
 - ج. ولو شهدا عليه بسرقة ثم شهدا عليه بأخرى قبل القطع فالأقرب عدم تعدّد القطع ☒
 - د. لو أحدث فى النصاب قبل الإخراج ما ينقص قيمته يقطع ☐
۴. کدام گزینه اشتباه است؟ ب ۴/۳۸۵-۳۹۱ (ع: ۱: ۳)
 - ا. لا یرث المرتدّ إلاّ کافر ☐
 - ب. لو تکرّر الارتداد والاستتابة من الفطرى قتل فى الرابعة ☒
 - ج. يستتاب المرتدّ إن كان ارتداده عن كفر ☐
 - د. لا یصحّ للمرتدّ تزویج ابنته المولّیٰ علیها ☐

تشریحی:

- * لو سرق من مال المشترك ما یظنّه قدر نصيبه فزاد نصاباً و جواز مباشرته فلا قطع كتوهم الملك فظهر عدمه فيه أجمع بل هی أولى. ۴/۳۴۳
۱. أ. فرع مذکور در عبا رت شهید اول را توضیح دهید. ب. وجه اولویت در «بل هی أولى» را بنویسید.

ا. اگر کسی از مالی که با دیگری شریک است به گمان اینکه برداشتن جایز است، بردارد و بعد معلوم شود بیش از سهم خود برداشته و آن مقدار زائد نیز به اندازه نصاب قطع ید در باب سرقت باشد، دستش بریده نمی‌شود.

ب. چون وقتی که درباره کل مال که برای خودش نیست، اما فکر می‌کند برای خودش است، شبهه صدق می‌کند، در اینجا که مال مشترک است، به طریق اولی جای شبهه است.

* دية الشجاج فى الوجه والرأس سواء لما تقرر من أنّها لا تطلق إلاّ علیها وفى البدن بنسبة دية العضو إلى الرأس ففى حارصة اليد نصف بعیر.

۲. أ. چرا دية شجاج، در سر و صورت، یکسان است؟ ب. دية «شجاج در بدن» را در ضمن مثال بنویسید. ۵۳۴ (ع: ۲: ۲)

ا. چون شجاج به جراحت وارد شده به سر و صورت گفته می‌شود، ادله به طورى مساوى هر دو را شامل می‌شود.

ب. مثلاً اگر حارصه (وهی القاشرة للجلد) در سر بود، یک شتر ديه است؛ حال اگر در دست باشد از آنجا که در دست، نصف ديه ثابت است، در شجاج آن، نصف شتر ثابت خواهد بود (چون دية شجاج در بدن، نصف دية شجاج در سر است).

۳. «مختلس» و «مستلب» را تعریف کنید. (در حدّ المحاربة) ۴/۳۷۱ (ع: ۱ د: ۱)

مختلس: هو الذى يأخذ المال خفية من غير الحرز.

مستلب: هو الذى يأخذه جهراً ويهرب مع كونه غير محارب.

* لو أٌجج ناراً فى ملكه فى ریح معتدلة أو ساكنة ولم تزد عن قدر الحاجة فلا یضمن سرايتها إلى ملك غيره. ۴/۴۷۹

۴. دلیل عدم ضمان در فرع مذکور چیست؟

شخص، حقّ تصرف در ملک خود را به دلخواهش دارد و بنا بر فرض، کوتاهی نیز نکرده است.

* لا قطع فى سرقة الثمر على شجرة وإن كان محرزاً بحائط وغلقي لاطلاق النصوص الكثيرة بعدم القطع بسرقة مطلقاً. وقال العلامة: إن كانت الشجرة داخل حرز فهتكه وسرق الثمر قطع لعموم الأدلة الدالة على قطع من سرق من حرز. ۴/۳۵۳

۵. دو قول در مسأله و دلیل هر کدام را بنویسید.

۱. دزدیدن میوه بر روی درخت، موجب قطع يد نمی شود حتی اگر درخت و میوه اش داخل در حرز باشد؛ چون روایاتی به نحو مطلق بر عدم قطع به واسطه سرقت میوه دلالت دارد.

۲. اگر داخل حرز باشد با وجود شرایط دیگر دست قطع می شود چون مشمول ادله ای است که می گوید سرقت از حرز، موجب قطع است.

۶. ملاک در عمدی بودن قتل چیست؟ ۳۹۹

العمد يحصل بقصد البالغ العاقل الى القتل بما يقتل غالباً.

۷. دية هر کدام از موارد زیر را بنویسید. ۵۱۲-۵۰۴-۴۹۹-۴۹۵ (ع: ۲ د: ۲)

أ. شعر الرأس: ج. ديه كامل

ب. خسف العين العوراء: ج. ثلث ديه چشم صحيح

ج. لسان الأخرس: ج. ثلث ديه

د. كل واحد من الثديين: ج. نصف ديه مرأة

* أوجب ابوالصلاح فى قتل البالغ للصبى الدية كالمجنون لاشتراكهما فى نقصان العقل ويضعف بأن المجنون خرج وإلا كانت الآية متناولة له بخلاف الصبى. ۴۲۷

۸. نظر و استدلال ابوالصلاح و وجه ضعف آن را بنویسید.

۱. در صورت قتل صبى، توسط بالغ، ديه ثابت است نه قصاص چون در مجنون مقتول، ديه ثابت است و صبى، همانند مجنون، ناقص العقل می باشد پس در او نیز باید ديه ثابت باشد. ۲. آیه شریفه «النفس بالنفس» هم شامل مقتول مجنون است هم شامل مقتول صبى، و اگر مجنون خارج شده، به دلیل خاص است و چنین دلیل خاصی در مورد صبى مقتول نیست.

* يقتصّ للمرأة من الرجل فى الطرف من غير ردّ حتى تبلغ دية الطرف ثلث دية الحرّ فصاعداً فتصير على النصف. ۴۱۱

۹. فرع فوق را توضیح دهید.

مرد در قبال جنابتی که بر اعضای زن وارد کرده قصاص می شود تا وقتی که ديه عضو به یک سوم ديه عضو مرد برسد و بعد از آن، نصف ديه عضو مرد به زن تعلّق می گیرد.